

هدف اسلام



بهرین چیزی که میتواند شخصیت شخص و یا هرامی را معرفی نماید همانا هدف و مقصد اصلی او میباشد که انسان میتواند پس از مطالعه در اطراف آن ارزش واقعی آنرا دریافته و باراهنمائی عقل درباره چگونگی آن شخص یا هرام قضاوت نماید .

بنابر این شما میتوانید هر کس را به هدف او بشناسید و اگر دیدید در زندگی برای خوب شدن هدفی معین ننموده او را سست عنصر و نالایق تشخیص دهید و متأسفانه بیشتر از مردمانی که امروز خود نمائی مینمایند واقعاً مقصد خویش را نمیدانند و کور کورانه حرکت میکنند گاهی هم بجائی میرسند خیال میکنند در اثر لیاقت آنها میباشد .

تمام ادیانی که از روز نخست در جهان پیداشده چه آنهایی که برحق بوده اند و چه آنهاییکه ساختگی بوده دارای هدف و مقصدی معین بوده و مردم را برای رسیدن باین منظور ترغیب و دعوت مینموده منتهی ادیانی که بشر برای اطفاء شهوت خود ساخته در همان مرحله اول بناتوانی و نادرستی خود گواهی داده و مردمانیکه دارای فکری روشن بودند بر ساختگی آن اطلاع پیدا کرده اند و ادیانی که خداوند بر حسب مصلحتی که مقتضی دیده برای بشر معین فرموده همه دارای مرام و مقصدی عالی بوده بلکه همه يك مرام و يك مقصد را پیش گرفته اند منتهی بمقتضای زمان و طرز تعقل هر دسته مطلب بطوریکه در خور فهم آنها بوده است بیان شده تا اینکه نوبت بحضرت ختمی مرتبت «ص» رسید این پیغمبر محترم از جانب پروردگار مأمور اصلاح جامعه گشت و چون باید بنائنی بریزد که دیگر فنا نپذیرد باشد و هیچکس نتواند در آن رخنه کند و هر چه

دامنه علم و دانش وسیعتر گردد باز بیایه و اساس آن زبانی وارد نیارد
لذا از همان روز نخست باشجاعت و شهامتی بی نظیر در میان مشتی مردم
پراکنده و بیفکر ایستاد و باصراحت هر چه تمامتری فریاد زد «قولوا لا اله
الا الله تفلحوا» بگوئید جز خدا هیچکس سزاوار پرستیدن نیست تا
رستگار شوید.

پیغمبر اسلام در این روز آنچه از جانب خداوند مأمور بود انجام
بدهد در يك جمله بسیار کوتاه و در عین حال رسائی بتمام جهانیان ابلاغ
نموده و هدف و مرام خود را گوشزد کرد و غرض از رسالت خود را برای
مردم بیان فرموده و مردم را آگاه ساخت که راه رستگاری و پیشرفت
در دنیا و آخرت جز این نیست که هر چه جز خداست بر دور ریزند
و این ناتوانانی که مصنوع و یا مانند شما بنده سزاوار پرستش نیستند
اگر جز این رفتار نمائید سر انجام جز بدبختی و بیچارگی چیزی
نخواهید یافت.

خوانندگان ارجمند شما میتوانید خود در باره این جمله فکر
کنید و معنای آن را در نظر گیرید و کم کم دامنه فکر خود را وسعت
دهید تا وقتی که بتوانید بمنظور واقعی آن برسید چه در این چند کلمه
که پیغمبر اسلام بیان فرموده علت پیدایش زمین و آسمان و سایر
مخلوقات را بیان کرده و همچنین هوجد آن را بهترین وجهی برای بشر
که دارای دو جنبه ملکوتی و ناسوتی است معرفی نموده و مذاهب باطله
را باطل ساخته و مردم را متوجه بمذهب حق نموده و خلاصه هدف
خود را برای جهانیان بایبانی شیوا بیان کرده است و مردم را متوجه
ساخته که غرض از خلقت این آسمان و زمین، انسان و حیوان نه همین

است که بخورند و بیاشامند بلکه منظور چیز دیگر است و باید بدنبال آن رفت.

يك مطلب دیگر که در همان وهله اول شخص از این جمله استفاده میکند اینست که خداوند خواسته بوسیله این پیغمبر بشر را بارزش واقعی خود آگاه سازد و برای این منظور او را از تمام اوهام و خرافات درر نموده و همه را بیک نقطه حساس متوجه ساخته و از تفرقه و تشتت آنان جلو گیری نماید چه آنکه باعث بدبختی و سرگردانی بشر میشود و وجود اختلافات و نظریه‌های مختلف است که خود این اختلافات ناشی از داتمن مبادی مختلف و اغراض گوناگون میباشد و اگر روزی بشر توانست برای خوبستن هدفی معین کند بدون تردید بمقصود خویش می‌رسد و هر قدر این هدف جامعه بزرگتر باشد رسیدن بآن دشوارتر و در عوض پر ارزش‌تر خواهد بود البته يك چنین هدفی در میان جامعه بشر بهیچوجه ممکن نیست بطور حقیقی و واقعی پیدا شود چه بر خورد باشکالات و منافع اشخص نموده و انجامش خواهی نخواهی غیر ممکن میگردد ولی اگر این مقصد توجه بمبداء کل بوده (که بشر ناچار بدو متوجه و ما فوق جمیع مخلوقات است و در عین حال دارای صفات کمالیه بوده و نسبت بتمام مخلوقات با یکدیگر نگاه میکند و بین آنها امتیازی نمیگذارد منتها چیزیکه در نظر ارقابل اهمیت است تقواید پرهیز کاری است) در اینموقع است که بشر میتواند کاری انجام دهد و راهی بییما بد چه همه میخواهند که خود را بدو نزدیک سازند و همه دارای يك مقصد و برای رسیدن بیک چیز میکوشند البته چنین مردمیکه میخواهند بخدای خویش نزدیک شوند دستوراتش را اطاعت میکنند و از قوانینی که بوسیله پیغمبر

خود فرستاده است پشتیبانی مینمایند و در تمام جریان زندگی خود سعی دارند که رضایت خدای خویش را بدست آرند و پیوسته وسیله تقرب خود را بپیشگاه مقدس ربوبی فراهم کنند چنین دسته ای جز خدا هیچ چیز نمی بینند و چون او را شناخته اند کسی دیگر را سزاوار پرستیدن تمیدانند و تنها خدا می بینند و از خدای خویش کمک میخواهند و جز او همه را چون خود ناچیز و بیکاره می شمارند.

قافله خدا پرست بدین نحو حرکت می کند و هدف آنها هم یک چیز و یک مقصد بزرگ و در نتیجه خواهی نخواهی در این جهان و سرای دیگر نیکبخت و سعادت مند خواهند بود زیرا پس از این که جمعی بدین منوال حرکت کردند و همه دست از اغراض نفسانی خود شستند و برای یک منظور ی که نفع همه در آن یکسان است کوشیدند ناچار خارهائی که در جهان جلو پای بشر را گرفته بر می کنند و بدور می اندازند و آن خواهی زشت و پلیدی که سبب این همه جنک و نزاع شخصی و خانوادگی و بین المللی گشته از جامعه دور می کنند و خود پرستی را که منشأ بیشتر اختلافات است بر کنار می اندازند و بالاخره آنچه موجب سعادت بشر است انجام داده و هر چه سبب خسران است نابود و بر طرف مینمایند در نتیجه زندگی بشری راهم بنحو خوبی انجام میدهند و برای اینکه از منظور خود که بحق است باز نمانند سعی میکنند که اختلافات را دور نمایند و جنبه مادیت خود را نیز بهتر بنوجهی تأمین کنند و در این راه کمال کوشش را انجام میدهند و البته چون فکر و اندیشه درست بکار افتاده است همه منظور مشترکی دارند نتیجه ای که عاید میگردد بسیار گرانبها خواهد بود و جامعه در تمام شئون اجتماعی پیشرفت نموده و از تمام مزایای جهان

بر خوردار می‌گردد؛

خوانندگان محترم، آلام هدفی جز سعادت جامعه تدارک و می‌خواهد مردم را بیدار فیض آشنا ساخته و همه را خداپرست نماید تا منظور از آفرینش جهان معلوم گردد و آدمی بداند که وظائفی جز این اعمال که حیوانات هم با او شریک هستند دارد و این تندروها و سرگردانی‌ها که بشر خود تهیه نموده و روز بروز دامنه آن وسیعتر می‌گردد برای او سودی ندارد و برای اینکه آنها را روشن نماید و بشر را آگاه کند انسان را باصل خلقت خود و منظور از آفرینش موجودات متوجه نموده و با جمله‌ای کوتاه به تمام جهانیان اعلام داشته که جهان و آنچه در آنست مخلوق و دیگری آنها را ایجاد کرده و بایستی همه متوجه باشند که جز او هیچکس سزاوار پرستش نیست و اوست که میتواند همه کاری را انجام دهد و مصالح و مفاسد امور را بطوریکه شایسته است تشخیص دهد و بایستی هر چه و هر که جز او بصورتی جلوه‌گری می‌کند و خود را شایسته پرستش معرفی می‌نماید باطل و ضایع دانست زیرا این خدایان جز بدبختی و بیچارگی چیزی نخواهند افزود و چون دیگر مخلوقات ناتوانانی بیش نیستند.

ایکاش امروز جامعه مسلمین این ندای پیغمبر اسلام را بگوش دل میشنیدند و قدری بخود می‌آمدند و این همه دورنگی‌هایی که در میان مسلمانان از روی جهل و نادانی و یا اغراض شخصی پدید آمده بدور می‌افکندند و همه راستی خداپرست مسلمان شده و قافله‌ای مسلمان حرکت میدادند و برای رسیدن بمقام قرب پروردگار کار می‌کردند تا لذت خدا پرستی را درمی‌یافتند و بمعنای حقیقی زندگی بر خورد می‌نمودند آنگاه

دیگر بدنبال این همه فسادها و زشتیهای نامی رفتند و در دنیا قد مردانگی علم نموده و پیشوای جهانیان می گشتند و مردم جهان را از دست اینهمه خرافات و بدبختیها نجات میدادند و بدنیائی ثابت میکردند که اسلام فقط میتواند جهان را بخوبی اداره کند و بشر را باعلی درجه ارتقاء دهد و اینهمه سخنها را پراکنده ای که در جهان است موجب سرگردانی آدمیان شده و همه جز مشتی موهومات که فقط با الفاظ شیرین آنها را آرایش داده اند چیزی بیش نیست و دین کامل با عقل و دانش همواره قرین است و هیچگاه دستوری که بزیان جامعه تمام شود صادر نمیکند و پیوسته میکوشد تا مردم را بایکریگر آشنا ساخته و از اذائد مادی و معنوی برخوردار کند و با زبانها و بیانهای گوناگون آنها را از چیزهایی که سبب بدبختی میشود مانند خدایان بیشمار بمعنای مختلف ترسانده و دین خود را روی اساسی متین و بنیانی محکم بنا نهاده است. افسوس صد افسوس که امروز ما مردم هنوز دین خود را نیافته بر او اعتراض میکنیم و با از روی نادانی بسلیقه خود در دین تصرف مینمائیم ای کاش این معترضین که هر روز بنوعی بردین داران حمله میکنند تنها درباره هدف اسلام فکر میکردند و معنای آنرا درمی یافتند و آنگاه سخن میگفتند. از خداوند خواستاریم که ما را خداپرست و مسلمان گرداند و از دست دشمنان خودی و بیگانه رهائی بخشد.

تهران - حسن سعید

جوهر دانائی

سید هنرناش بهر جا که هست
در همه کاریش توانائست

دل بهر ده نه بدعوی پرست
هر که در او جوهر دانائست